

■ سجاد آذری

آتش‌بس برقرار شده ولی دلایلی که موجب شده است دشمنان دست به این حماقت بزنند هنوز به خوبی مشخص نیست. یکی از امیدهای اصلی دشمن این بود که پس از آغاز حملات، مردم ایران دست به شورش خواهند زد و مسیر برای تصرف ایران باز خواهد شد؛ اتفاقی که برعکس شد و اتفاقاً جامعه ایرانی را منسجم‌تر کرد. در گفت‌وگوی «جوان» با محسن ردادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی دلایل شکل‌گیری این انسجام جدید مورد بررسی قرار گرفت.

■ ■ ■

دشمن امیدوار بود چه اتفاقی با این جنگ در جامعه ایرانی بیفتد، چه برنامه‌ریزی‌ها و پیش‌بینی‌هایی در اینباره انجام داده بود و به کجا رسید؟

همانطور که بارها هم خودشان و هم سایر تحلیلگران گفتند انتظار دشمن این بود که حمله تجاوز کارانه به عنوان جاشنی یک بمب عمل کند و به دلیل مشاوره‌های اشتباهی که از یکسری مزدور دریافت کرده بودند چنین برداشت کرده بودند که اگر اندک آشفتنگی در ایران اتفاق بیفتد بلافاصله یک منازعه اجتماعی و یک شورش بزرگ رخ می‌دهد که کار را تمام خواهد کرد و تصورشان این بود که چیزی مانند لیبی اتفاق خواهد افتاد، یعنی یک حمله محدود می‌تواند کار نظام را تمام کند و بر همین اساس هم برنامه‌ریزی کرده بودند ولی در عمل برعکس شد و نه تنها مردم شورش نکردند و در برابر نظام نایستادند، بلکه همان کسانی که مخالف جمهوری اسلامی بودند به طرز عجیبی امدند و در کنار جمهوری اسلامی در برابر دشمنان و در دفاع از وطن اعلام آمادگی کردند و در کنار نظام ایستادند، یعنی نقشه نه اینکه حتی کمی تغییر کند، بلکه ۱۸۰ درجه برعکس شد و در حال حاضر داریم سرمایه اجتماعی را تجربه می‌کنیم که دهه‌ها بود اینگونه آن را تجربه نکردیم.

طبیعتاً دشمنان برنامه‌ریزی دارند و مطالعاتی انجام داده‌اند و همینطور بدون برنامه‌ریزی نمی‌گویند به جنگ برویم و احتمالاً مردم ایران هم با ما همراهی خواهند کرد، چه از یایی یا اطلاعاتی آنها را به این نتیجه رسانده بود؟

آنها خیلی دقیق از ریزی‌بی می‌کنند و کاملاً به شکل کارشناسی وارد می‌شوند منتها کارشناسی آنها ناقص است به این دلیل که اولاً به خیلی از جنبه‌ها توجه نمی‌کنند و صرفاً برخی از عناصر و مؤلفه‌ها در محاسبات خود وارد و دوم اینکه از مشاوره‌های نادان، ناتوان و غیرعلمی استفاده می‌کنند. دقیقاً مانند اتفاقی که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی افتاد. آنجا هم بر اساس محاسباتی که داشتند به این نتیجه رسیده بودند که حکومت شاهنشاهی ایران غیرقابل سرنگونی است واین هم کارشناسی محاسبات و داده‌ها بود و کارشناسان به این نتیجه رسیده بودند منتها آن کارشناسان، کارشناسان دقیق و درستی نبودند و کاملاً با تاریخ و تمدن ایران آشنا نبودند و قدرت روحانیت و مردم را دست کم می‌گرفته بودند اینجا هم دقیقاً همین اتفاق افتاد، یعنی اگر به جای اینکه از ضدانقلاب‌های خارج از کشور که سال‌های سال بود ایران را ندیده‌اند استفاده کنند به ریشه‌های تاریخی توجه می‌کردند و از کارشناس بومی کمک می‌گرفتند این تصور را نداشتند. اگر بخواهید از این افراد کارشناسی بگیرید نتیجه همین آشی می‌شود که برای ترامپ و اسرائیل ریخته شد.

وقتی فردی مثل مسیح علی‌نژاد هم مصاحبه می‌کند و می‌گوید که ما مخالف این جنگ بودیم و این کار موجب شد پروژه براندازی ۱۵ تا ۲۰ سال عقب بیفتد. پس این کارشناسانی که می‌گویند به امریکا و اسرائیل مشاوره می‌دهند چه کسانی هستند؟ مگر ما از این افراد نیز بدتر داریم؟

یک‌دسته که من حدس می‌زنم سلطنت‌طلب‌ها هستند البته خانم علی‌نژاد هم حرف درستی زده‌اند ولی رقم را کم گفته‌اند و من می‌گویم با این اشتباهی که مرتکب شدند آینده جمهوری اسلامی ایران تضمین شد. خانم علی‌نژاد و امثال وی بعد از سال ۱۸۸۰ ایران رفته‌اند، یعنی حدود ۱۵ سال است که از کشور خارج شده‌اند در حالی که سلطنت‌طلبانی که واقعاً از فضای ایران دور هستند واقعاً این تصور را دارند که مردم ایران از حکومت کاملاً بریده‌اند و چه بسا ر ضاً پهلوی با کم خردی خودش اسرائیلی‌ها و امریکایی‌ها را هم به این دام کشید. این کارشناسان بودند که دشمنان را به این اشتباه محاسباتی کشاندند و اگر داده‌های دقیقی از داخل ایران داشتند متوجه می‌شدند که این بدترین کار ممکن برای سرنگونی نظام است و بهترین عامل برای حفظ حکومت می‌است که مردم را همدل و هم‌رنگ کنید که این جنگ و دفاع از وطن دقیقاً چیزی بود که در این مقطع زمانی خیلی به آن نیاز داشتیم در عین اینکه ما قاعدتاً شروع کننده نبودیم و دنبال مذاکره، تعطیلات تابستانی و جشن ۱۰ کیلومتری غدیر بودیم و قراری برای جنگ نبود و آنها با ناجوانمردی جنگ را آغاز کردند ولی نتیجه جنگ به شکل فوق‌العاده‌ای به نفع ایران شد فارغ از اینکه اسرائیل آن‌شاءالله نایود

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با «جوان»:

میلیاردها دلار خرج می‌کردیم چنین انسجام ملی ایجاد نمی‌شد

پیش‌بینی‌های دشمنان درباره شرایط اجتماعی ایران پس از آغاز جنگ با ایران در گفت‌وگو با محسن ردادی مورد بررسی قرار گرفت



علی پوردهان/جوان

که خودشان را برانداز هم معرفی می‌کنند این جملات را می‌شنوم. این گفت‌وگوها باید ادامه پیدا کند و به آن ضریب داده شود و رسانه‌ها از این نظر خیلی مؤثر هستند. باید این حرف‌ها را باز تاب و اجازه دهد مردم حرف‌های خود را بزنند و تبدیل به یک گفتمان عمومی شود که مردم خواهان مقاومت و دفاع از وطن هستند. پس نکته اول این است که گفت‌وگوها باید در جامعه بیش از این جاری و شنیده شود و شرایط و زمینه‌ای فراهم شود تا مردم کاملاً بتوانند این حرف‌ها را بزنند و سخنان آنها شنیده شود و جریان پیدا کند اما نکته دوم بحث مشارکت است.

چیزی که خیلی در سرمایه اجتماعی اهمیت دارد این است که همه خودشان را در مقاومت و پیروزی سهیم بدانند، فقط دلاورمرد رزمندہ‌ای که پشت پدافند نشسته یا موشک را شلیک می‌کند نیاز قهرمان جامعه باشد، آن کسی که در متن جامعه است و به اندازه خودش دارد کمک می‌کند خودش را به اندازه تلاش در جنگ سهیم بداند به این منظور خیلی نقش دولت مهم است که مردم را به هر شکل ممکن مشارکت بدهد، به همین دلیل خیلی مهم است که مانند اول انقلاب در صورت ممکن بسیج محلات تقویت شود و هر کاری از هر کس برمی‌آید از آن استقبال شود. مردم سوق داده شوند به اینکه هر کس هر کار خودجوشی را که می‌تواند انجام دهد، من شنیدم عده‌ای به شکل خودجوش برای بسیجی‌ها و بزرگوارانی که در ایست و بازرسی‌ها هستند عرصه را باز و زمینه‌هایی را معرفی کند و بگوید مردم ما اینجاها نیاز به مشارکت شما داریم؛ مثلاً یک عرصه خوب که باز شد ولی کافی نیست، بحث اطلاع‌رسانی بود که گفته شد مردم هر کس مورد مشکوکی دیدند به ما اطلاع دهند. این خیلی مهم است و همه مردم را در این موضوع سهیم کرد اما این کافی نیست و شما باید زمینه‌ها، راه‌ها و مسیرهای دیگری را معرفی کنید و مدام دولت باید از مردم تقاضا کند و بگوید مردم این کار یا آن کار را می‌خواهیم به شما بسپاریم و کسانی که داوطلب هستند بیایند و انجام دهند. بالاخره اکنون که جنگ ما جنگ تن به تن نیست ولی چه بسا بهتر است برای اینکه مردم هم مشارکت داشته باشند گفته شود کسانی که علاقه‌مند هستند بیایند و آموزش‌های نظامی ببینند و در پست‌ها و گروه‌ها سازماندهی شوند و همین که احساس کنند سرباز وطن هستند آن سرمایه اجتماعی حفظ می‌شود. اکنون که آتش‌بس برقرار شده، فرصت برای سازماندهی منظم مردم فراهم شده است. از این فرصت باید استفاده کرد.

دولت چگونه می‌تواند این سرمایه اجتماعی را حفظ کند؟
اتفاقاً نکته بعدی این است که دولت ارتباط خود با مردم را قوی کند. به عنوان مثال خیلی علاقه‌مند بودم آقای یزدشکیان به عنوان رئیس‌جمهور لباس رزم دوره هشت ساله دفاع مقدس، یعنی لباس بسیجی آن دوران خوش را بپوشد و بیاید با مردم صحبت کند و بگوید من همان کسی هستم که آن زمان جنگیدم الان هم همان اندازه آماده هستم، می‌دانیم که رئیس‌جمهور قنچدر شبانه‌روز دارد زحمت می‌کشد اما این کافی نیست، یعنی باید آن نمادها هم حفظ شود و رئیس‌جمهور مدام با مردم صحبت کند و این ارتباط بین مردم و دولت از طریق این نمادها حفظ شود.

مثلاً ما سخنگوی زمان جنگ نداریم البته سخنگوی اولاً که باید تاب‌آوری اجتماعی حفظ شود. به شکل ساده مسئله مهم این است که جامعه ما زودتر کم می‌آورد یا جامعه امریکا و اسرائیل، هر چند در حال حاضر ۱۰- هیچ جامعه‌ما از اسرائیل جلوست و در حالی که جامعه ما پر از انرژی و توانمندی است، جامعه آنها به شدت شکسته و تحت فشار است اما برای اینکه ما این را حفظ کنیم نیاز داریم چند کار انجام دهیم؛ اول اینکه گفت‌وگو بین مردم افزایش پیدا کند. امروز یکسری از گفت‌وگوها بین مردم در جریان است که هرگز شنیده نمی‌شد اینکه باید مقابل دشمن بااستیم، موشک بزنیم، چرا دارند در زدن دشمن کم کاری می‌کنند، چه معنی دارد که حرف از مذاکره بزنیم و مواردی از این قبیل. من گاهی از مواقع نه در میان افراد حزب‌اللهی و انقلابی، بلکه در میان افرادی

به جنگی ۱۲ روزه است ولی به فرض محال اگر قرار بود جنگ یک ماه یا یک‌سال یا بیشتر طول بکشد شرایط به چه شکلی می‌شد؟

آغاز تحلیل من این بود که دشمنان روی بحث‌های اجتماعی خیلی حساب کرده بودند و ۲۰ درصد می‌گفتند بحث‌های اجتماعی و ۳۰ درصد می‌گفتند بحث نظامی و به نظرم این حرف درست است و ما هم باید متوجه باشیم که ادامه این موضوع باز هم اجتماعی است، یعنی سلاح برنده ما که موجب می‌شود در این میدان برنده شویم موشک‌های ما نیست، یعنی به رغم تمام دلاوری‌هایی که ارثی و سببا انجام می‌دهند و موشک‌هایی که واقعاً چشم جهان را خیره کرده است ولی چیزی که تعیین‌کننده نهایی است فقط بحث‌های نظامی نیست، بلکه بحث اجتماعی است. الان دشمنان برای ما یک سوخت فوق‌العاده‌ای به نام سرمایه اجتماعی ناخواسته تولید کرده‌اند که اگر ما بتوانیم از این سوخت استفاده و بر همین اساس آن را حفظ کنیم و پیش‌بریم جنگ طولانی مدت هم حتماً آن‌شاءالله با پیروزی ما به پایان خواهد رسید اما اگر این خواسته‌ای که در آن موقع خیلی کار دشوار می‌شود. بنابراین عرض این است که الزماً باید توجه داشته باشیم که بعد اجتماعی بسیار مهم است و برای اینکه بتوانیم پیروز شویم باید بتوانیم سرمایه اجتماعی خود را حفظ کنیم و برای این کار نیز تاب‌آوری اجتماعی ما افزایش پیدا کند و مردم برای مبارزه و جنگیدن به معنای اینکه از لحاظ اجتماعی کم نیاورند، همراه باشند. یعنی این انرژی که در زمینه‌هایی را معرفی می‌کند که ضعف‌هایمان را وجود مردم است که ما حاضر هستیم سختی بکشیم ولی دشمن وطن نایود باید تقویت و حفظ شود. اکنون آتش‌بس پذیرفته شده و این ممکن است مردم را در مبارزه سرد کند. باید به مردم بگوییم که خطر برطرف نشده است. دشمن متجاوز همچنان در صدد نقض آتش‌بس و حمله به وطن است. پس باید هوشیار باشیم و با همین روحیه برای نبرد بعدی آماده شویم. آتش‌بس، فرصتی برای ما فراهم می‌کند که ضعف‌هایمان را شناسایی و برطرف کنیم. هماهنگی بهتری برقرار کنیم و برای ادامه مبارزه مهیا شویم.

برای تقویت و حفظ این روحیه و سرمایه اجتماعی چه باید کرد؟

اولاً که باید تاب‌آوری اجتماعی حفظ شود. به شکل ساده مسئله مهم این است که جامعه ما زودتر کم می‌آورد یا جامعه امریکا و اسرائیل، هر چند در حال حاضر ۱۰- هیچ جامعه‌ما از اسرائیل جلوست و در حالی که جامعه ما پر از انرژی و توانمندی است، جامعه آنها به شدت شکسته و تحت فشار است اما برای اینکه ما این را حفظ کنیم نیاز داریم چند کار انجام دهیم؛ اول اینکه گفت‌وگو بین مردم افزایش پیدا کند. امروز یکسری از گفت‌وگوها بین مردم در جریان است که هرگز شنیده نمی‌شد اینکه باید مقابل دشمن بااستیم، موشک بزنیم، چرا دارند در زدن دشمن کم کاری می‌کنند، چه معنی دارد که حرف از مذاکره بزنیم و مواردی از این قبیل. من گاهی از مواقع نه در میان افراد حزب‌اللهی و انقلابی، بلکه در میان افرادی

انتظار دشمن این بود که حمله تجاوز کارانه به عنوان جاشنی یک بمب عمل کند و به دلیل مشاوره‌های اشتباهی که از یکسری مزدور دریافت کرده بودند چنین برداشت کرده بودند که اگر اندک آشفتنگی در ایران اتفاق بیفتد بلافاصله یک منازعه اجتماعی و یک شورش بزرگ رخ می‌دهد

بالاخره اینکه بخشی از مردم از شرایط اقتصادی ناراضی هستند واقعی است و بر همین اساس هم طبیعتاً دشمنان به ما حمله کردند ولی چه شد که به یکباره ماجرا برعکس شد؟

اینکه عرض می‌کنم بعضی از مؤلفه‌ها در آن نظر نگرفتند دقیقاً همین است. شما اگر فقط مؤلفه‌های اقتصادی را در نظر بگیرید و صرفاً بر اساس نارضایتی‌هایی که مردم دارند بخواهید تحلیل کنید خیلی از مواقع تحلیل‌تان ناقص و نادرست است و نمی‌توانید بفهمید مثلاً سال ۹۸ که حاج قاسم به شهادت رسید آن موقع هم اوج گرانی‌ها و نگرانی‌های مردم بود و شما اگر بکسری از عوامل را در نظر بگیرید که این عوامل مردم را با ایران، حکومت و حاکمیت پیوند می‌دهد نمی‌توانید تحلیل کنید. کمال‌اینکه نتوانستند بفهمند چه شد وقتی حاج قاسم شهید شد اینطور مردم همراه شدند و چنین تشییع باشکوهی را بر گزار کردند. بالاخره همین سؤال برای آنها پیش آمده که مگر مردم ناراضی نبودند و مگر مردم گاهی از اوقات به سپاه بد و بیراه نمی‌گفتند پس چه شد که برای یک سپاهی اینگونه از جان گذشته عزاداری می‌کنند که کلی آدم در تشییع جنازه او جان‌شان را از دست می‌دهند! دقیقاً دلیل آن نیز این است که شما بر اساس برخی مؤلفه‌های اقتصادی و شاخص‌هایی که کامل نیستند دارید شرایط ایران را تحلیل می‌کنید. این مردم علاوه بر اینکه نیازهای معیشتی دارند و مؤلفه‌های اقتصادی روی رفتار آنها تأثیر می‌گذارد اما شخصیت و غرور ملی دارند و علاقه به وطن در وجود آنهاست. بدون اغراق می‌کنم از این مردم خودشان را در مقابل به یک تمدن بسیار بزرگ می‌دانند که حاضرند مشکلات را برای آن تحمل کنند. دشمنان این مؤلفه‌های تمدنی و هویتی را در نظر نگرفتند و صرفاً بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی تحلیل کردند. در ماجرای اخیر هم همینطور است و اگر شما بخواهید بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی تحلیل کنید می‌شود همین که می‌گویند حمله می‌کنیم و این برگ برنده ما می‌شود.

با وجود همه اینها کاری که دشمنان انجام دادند خیلی هم کارشناسی شده بود و اگر شما رصدی در فضای مجازی داشتید می‌دیدید به رغم اینکه خیلی از اینهایی که طرفداری دشمنان را هم می‌کنند ربات هستند ولی فراوان محتواهایی بود که اسرائیل و امریکا را تشویق به حمله به ایران می‌کردند. می‌گفتند اولین موشک را که بزنید مردم به خیابان می‌ریزند! بالاخره دشمنان هم این کلان داده‌ها را رصد و تحلیل می‌کنند و اینگونه نبود که بی‌گدار به آب زده باشند ولی عرض می‌کنم تحلیل آنها ناقص بود و مؤلفه تمدنی و هویتی را که برای مردم ایران مهم است لحاظ نکرده بودند. یعنی مردم ایران می‌گویند هیچ‌کس و جشن ۱۰ کیلومتری غدیر حق ندارد به وطن ما ضربه بزند. هر حکومت و حاکمیتی هم سر کار باشد وطن برای مردم اهمیت دارد.

این شرایطی که شما می‌فرمایید مربوط